

زیگموند فروید

سه رساله دربارهٔ نظریهٔ جنسی

و

نوشته‌های دیگر در همین موضوع

ابراهیم ملک اسماعیلی



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

## فهرست مطالب

۷	یشگفتار بر چاپ دوم
۹	یشگفتار بر چاپ سوم
۱۳	یشگفتار بر چاپ چهارم
۱۷	گزروی های جنسی
۶۵	میل جنسی کودکانه
۱۰۹	تغیر ییکره یابی های بلوغ
۱۵۴	توضیحات و پانوشته های سه رساله
۱۶۱	راجع به روشنگری جنسی کودکان
۱۷۳	اخلاق جنسی «فرهنگی» و عصبی بودن نوین
۲۰۳	عزارة نظریه های جنسی کودکانه
۲۲۲	توضیحات
۲۲۳	سزمان یابی تناسلی کودکانه
۲۴۲	توضیحات
۲۴۵	عزارة میل جنسی زنانه
۲۷۰	توضیحات
۲۷۱	اعلام اساطیری و چند اشاره
۲۷۸	واژه نامه

## پیشگفتار بر چاپ دوم

مؤلف که درباره کاستی‌ها و ناروشنی‌های این نوشته مختصر خود را تمی فریید، در برابر این اغواها مقاومت کرده است، که نتایج تحقیقات پنج سال گذشته را در آن مندرج کند و این چنین ویژگی ساختاری یک پارچه و مستند آن را دچار آسیب سازد. بنابراین شیوه‌های نخستین نگارش را با تغییرهایی مختصر دوباره ارائه می‌دهد و تنها به چند الحاقیه به شکل پانوشت بسته می‌کند، که با نشانه ستاره از پانویس‌های پیشین متمایز شده‌اند. اما به رغم آن آرزوی قلبی او این است که این کتاب به شتاب کهنه گردد، به این ترتیب که امر نوین و آنچه او پیش از این عرضه کرده است، مقبولیت عام بیابد و امر نادرستی که در آن راه یافته است، با امر درست‌تر جایگزین گردد.<sup>۱</sup>

وین، دسامبر ۱۹۰۹

---

<sup>۱</sup> این پیشگفتار در چاپ مربوط به انتشارات فیشر - مبنای ترجمه حاضر - حذف شده است. در چاپ‌های بعدی ستاره‌ها هم حذف شده‌اند. مترجم

## پیشگفتار بر چاپ سوم

پس از گذشت یک دهه از پذیرش و تأثیرگذاری‌های این نوشتار، مایلم چاپ سوم آن را با پاره‌ای توضیحات تکمیل کنم، که مبتنی بر هدف رفع سوءفهم‌ها و انتظارهای ارضاناشدنی است. پیش از هر چیز باید اشاره کنم، این بررسی‌ها در اساس بر بنیان تجربه‌های روزمرهٔ پزشکی‌ای استوار است که با نتیجه‌های پژوهش‌های روان‌کاوانه ژرفای بیشتری یافته و تأیید علمی برای آن ارائه شده است. «سه رساله دربارهٔ نظریهٔ جنسی» نمی‌تواند حاوی امر دیگری جز آن باشد که روان‌کاوی مفروض به در اختیار داشتن و یا معجاز به تأیید کردنش است. از این رو مسلم است که این نظریه‌ها نمی‌توانند هیچ‌گاه به ارائهٔ یک «نظریه جنسی» گسترش یابد و قابل فهم است که نسبت به پاره‌ای از مشکلات مهم جنسی موضعی اتخاذ نمی‌کند. اگرچه به این سبب نباید معتقد بود که فصل‌های مرور نشدهٔ این موضوع سترگ برای نویسنده ناشناخته مانده یا به عنوان امرهایی جانبی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

وابستگی این نوشته به دستاوردهای تجربی روان‌کاوانه، که محرکی در تدرش آن بوده است. نه تنها خود را در گزینش، بلکه در ترتیب ارائه مواد و مصالح نیز نشان می‌دهد. در همه جا به نوعی حرکت نمونهٔ موضوع‌های مرجع رعایت می‌گردد، جنبه‌های تصادفی مورد توجه قرار می‌گیرد، جنبه‌های

وضعی مقدماتی در پیش‌زمینه باقی می‌ماند، تکوین فردی پیش از تکوین نوعی مورد مطالعه واقع می‌شود، به واقع امر تصادفی در تحلیل نقش اساسی را ایفا می‌کند، تحلیل به توسط آن به ترتیب بی‌هیچ باقی‌مانده‌ای انجام می‌پذیرد، امر وضعی تنها از پس آن ظاهر می‌گردد، آن هم به مثابه موردی، که توسط تجربه زیستی بیدار می‌گردد و اشتغال با آن پهنه وسیع‌تری از حوزه کاری روان‌کاوی را در بر می‌گیرد.

تناسبی مشابه بین تاریخچه تکوین فردی و تاریخچه تکوین نوعی برقرار است. تاریخچه تکوین فردی را می‌توان به عنوان تکرار تاریخچه تکوین نوعی مشاهده کرد، منوط به آنکه تاریخچه تکوین نوعی به دنبال تجربه زیستی جدیدتری تغییر نیافته باشد. داده‌های ارثی مربوط به تاریخچه تکوین نوعی در پس فرآیند تاریخچه تکوین فردی خود را نشان می‌دهند. لیکن در اساس ترتیب موضوع به درستی فروباریدن یک تجربه زیستی پیشین بر وجهی است که تجربه زیستی جدیدتر فرد زنده به آن به مثابه مجموعه رانامای تصادفی افزوده می‌گردد.

اضافه بر پیوند دائمی این بررسی با پژوهش‌های روان‌کاوانه باید بر ناوابستگی تعمدی آن به تحقیقات زیست‌شناختی به عنوان ویژگی این نوشتار تأکید و رزم. من با هشیاری از انتقال انتظارات علمی متعلق به زیست‌شناسی جنسی عمومی یا زیست‌شناسی نوع‌های ویژه جانوری به درون این بررسی‌ها پرهیز کرده‌ام، که نمایش عملکرد جنسی انسان را تنها از طریق فن‌های روان‌کاوی برایمان ممکن می‌سازد، اگرچه هدف من این بود که اندازه تأثیر زیست‌شناختی زندگی جنسی انسان را با ابزار پژوهشی روان‌شناختی ببینم، اگرچه من معجزا بودم، به فصل مشترک‌ها و مطابقت‌هایی اشاره کنم که از این بررسی ناشی می‌شد، لیکن نمی‌باید زمانی که اسلوب روان‌کاوانه در پاره‌ای از نکته‌های مهم به نتیجه‌ها و نظریه‌هایی می‌انجامد که تفاوت‌های بارزی با

نتیجه‌ها و نظریه‌های مبتنی بر زیست‌شناسی صرف دارد، ذهن خود را دچار تردیدها کنم.

در این چاپ سوم من مطالب بسیاری را مندرج کردم، بدون آنکه نظیر چاپ پیشین این اضافات را با نشانه‌های ویژه جدا سازم. سرعت پیشرفت کار علمی در این حوزه بررسی اکنون تا اندازه‌ای کندتر شده است. لیکن بنا بر ضرورت همگام شدن با منبع‌های جدید در روان‌کاوی، کامل کردن و افزودن به مطالب در این تحقیق، اجتناب‌ناپذیر می‌نمود.

وین، اکتبر ۱۹۱۴